

## توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال بیست و سوم  
آذر ۱۴۰۱ شماره ۲۲۳اردوکشی ناتو بر ضد  
ایران در برلن

در شهر برلن در تاریخ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۲ یک اردوکشی ارتجاعی از جانب ناتو و اسرائیل بر ضد منافع ملی ایران برگزار شد. از ملبورن استرالیا تا تورنتو کانادا نیرو و سیاهی لشکر برای این کارناوال تهیه کرده بودند. این اردوکشی ناتو در حقیقت نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مخالفان جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در خارج از کشور است. این رزمایش ناتو در برلن خط تمایزی میان ایرانیانی کشید که برای ایرانی مستقل، دموکراتیک، متحد، مرفعی و پاینده مبارزه می‌کنند و کسانی که خواهان نابودی ایران در همدستی با تجزیه‌طلبان، صهیونیسم جهانی و امپریالیسم هستند و برای نیل به این هدف شوم، جنایات جمهوری اسلامی را در این ۴۳ سال دست‌آویز خیانت خود کرده نقاب «خیرخواهی، اصلاح‌طلبی، عدالت‌خواهی و بشردوستی» به چهره زده‌اند.

این تظاهرات جهانی و سراسری بود. دول تجاوزگر و جنگ‌طلب جهان، روسای ممالک ناتو و غرب به نحو بی‌سابقه‌ای در تاریخ جهان، تمام تسهیلات لازم برای برگزاری موفقیت‌آمیز این گردهمایی را فراهم کرده بودند. آنها از صرف هیچ هزینه‌ای برای برگزاری این همایش دریغ نکردند. شاید بتوان گفت چنین سازماندهی، تدارک، تجهیز، تبلیغات، رباکاری در تاریخ جنگ ترکیبی در جهان بی‌نظیر بوده است. دستگاه عظیم تبلیغاتی و شستشوی مغزی انحصاری صهیونیستی و وهابیتی بر تمام رعه‌های اندام شرکت‌کنندگان نظارت کامل داشت. تمام سخن‌گویان، نمایندگان رسمی، خبرگزاری‌های جهان که زنده گزارش می‌دادند دست‌چین شده بودند. حتی ماموران انتظامات بر اساس اطلاعات سری قبلی می‌دانستند که سیل جمعیت را چگونه... ادامه در صفحه ۲

## پایان نظم تک‌قطبی در جهان و نقش مهم ایران در نظم جدید

دنیای امروز در حال تلاطم است. هر روز که به اخبار در رادیو و تلویزیون نگاه می‌کنیم با سیلی از گزارشات و رویدادهای دست‌چین شده برای مغزشوئی روبرو می‌شویم. برای یک بیننده یا خواننده‌ی اخبار مشکل است از این کلاف سردرگم راه برون‌رفتی بیابد. رسانه‌های انحصاری و کنسرن‌های مغزشوئی در جهان ماموریت دارند کوچک را بزرگ، بزرگ را کوچک، کلان را خرد و خرد را کلان جلوه دهند تا به مقاصد برنامه‌ریزی شده خویش دست بیابند. قربانیان این سیاست مردمانی هستند که در عرصه مشکلات روزمره زندگی امکان پژوهش و تحقیق در مورد صحت و سقم این ادعاها را ندارند. سردرگمی، آشفته‌فکری، گمراهی محصول این فعالیت‌های سازماندهی شده است.

نیروهای انقلابی، کسانی که خواهان بررسی علمی هستند طبیعتاً باید از میان انبوهی از رویدادها، اظهارنظرها، دروغ‌ها و حقایق، آن مولفه‌هایی را بیابند که جنبه اساسی و ماهوی داشته و از تضادهایی پدید آمده‌اند که حل آنها منجر به حل سایر تضادها می‌گردد. آنها باید آن شاه‌کلید را بیابند که با آن، آن قفل بزرگ را بکشایند که با گشودن آن نوری پرتوان بر تمام این تاریکی‌ها و دروغ‌پردازی‌ها افکنده می‌گردد که مشاهده و فهم مسایل را آسان می‌کند. به نظر حزب ما که در مقالات گذشته نیز به آن اشاره کردیم باید از کلان به خرد رسید، از عام که تعمیم عمومی‌ترین خصایل مشترک خاص است به خاص رسید. باید از قله به زیر نگرینست تا حرکت‌های اساسی را دید و نه این که در گوشه مسکن و محله پنهان شد، به خانه تیمی رفت و تحولات جهان را از حدقه چشمان تنگ و قی کرده در پستوی خانه‌ها رصد کرد.

آنچه که به نظر ما فهمش برای درک سایر مسایل ارزش درجه اول دارد، تحولاتی است که در عرصه جهانی اتفاق می‌افتد و ایران و سایر ممالک به عنوان بخشی کوچک از این تحولات، در تحت تاثیر آن چه بخواهیم و چه نخواهیم واقع خواهند شد. ما باید این تحرکات را درک کنیم و صرفنظر از مشکلات درونی در ایران که ما به آن جداگانه خواهیم پرداخت از منظر صیانت منافع ملی کشور و آینده ایران به آن برخورد نمائیم. این مسایل کدام هستند؟

دوران دنیای تک‌قطبی که توسط جرج بوش پدر بعد از حمله نخست به عراق به عنوان نظم نوین جهانی مطرح کرد به پایان رسیده است و عصر ما عصری است که ملت‌ها زورگوئی آمریکا و اروپا را نمی‌پذیرند و کشورها به سوی کسب استقلال و تعیین سرنوشت سیاسی خویش به حرکت در آمده‌اند. تسلط دلار این کاغذ پاره بدون پشتوانه آمریکا، رو به زوال است و سرکردگی آمریکا علیرغم قدرت فراوانی که دارد رو به افول گذارده است و با رشد چین،... ادامه در صفحه ۴

سخنی پیرامون ماهیت انحرافی شعار «همه باهم»  
«زن، زندگی، آزادی»

شعار «زن، زندگی، آزادی» که در اعتراضات اخیر ایران به گوش می‌رسید و بی‌توجه به ماهیت آن از جانب افرادی ناآگاه تکرار می‌شد و می‌شود شعاری است که در اردوکشی ناتو در برلن بر سر دست‌ها بود. این شعار، شعاری فاقد مضمون طبقاتی و فقط دارای محتوی همه با هم است. این شعار مرز میان ارزش‌های مترقی و ارتجاعی، انقلابی و ضدانقلابی، تروریست و ضدخشونت را می‌زداید و با همین نیت نیز برای جلب سیاهی لشکر بیش‌تر و گنج کردن اعتراضات در ایران طرح شده است. زن رضا پهلوی و زنان حامی رژیم منفور پهلوی، در کنار زنان محجبه فرقه رجوی، زنان تفنگ به دست روژاوا برای تجزیه سوریه در کنار امپریالیسم آمریکا، و زنان عربان معترض ایرانی در نمایشات اعتراضی ناتو در جهان، همجنس‌گرایان مونث، «چپ‌های بریده بریده و خودفروخته در این طرف آش شله‌قلمکار در کنار هم می‌لولند. این شعار ربطی به زنان دلاوری که ۴۳ سال است علیه حجاب اجباری مبارزه می‌کنند، زنان کارگر ایران، زنان زحمتکش ایران، بانوانی که برای رهائی ایران می‌رزمند، از تمامیت ارضی ایران، حق حاکمیت ملی ایران دفاع کرده و قربانی تحریم و جنگ فرسایشی ترکیبی و تجاوزکارانه آمریکا و اسرائیل هستند ندارد. جبهه زنان مترقی و مبارز ایران با این جبهه نامشخص، بی‌حدود ثغور و معیوب زمین تا آسمان فرق دارد. مبارزه مردم ایران در رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی فقط برای رفع حجاب و کسب حقوق زنان نیست. دستیابی به این حقوق بخشی از مبارزه عمومی مردم ایران بر ضد حاکمیت ارتجاعی، سرمایه‌داری مسلط و علیه دشمنان بیگانه ایران نظیر امپریالیسم و صهیونیسم است. کسانی که خواهان تجاوز امپریالیسم به ایران بوده، از تشدید تحریم‌های امپریالیسم دفاع کرده، خواهان نقض همه قوانین جهانی که شامل ایران نیز می‌گردد، می‌باشند، تا فقط به آزادی‌های خصوصی دست یابند، در جبهه مبارزه مردم ایران جایی ندارند. آنها ستون پنجم دشمنان در ایران بوده و برای زندگی و آزادی مردم ایران پیشیزی ارزش قابل نیستند. گزینش شعار «زن، زندگی، آزادی» فقط به این منظور صورت گرفته تا از خشم نهفته زنان ایران برضد تضمینات رژیم جمهوری اسلامی چه در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اخلاقی و توهین به کرامت آنها سوء استفاده گردد. دشمنان ایران برای نیات شوم خود به سیاهی لشکر نیاز دارند، به شورش کور نیاز دارند و نه یک جنبش مترقی، با درونما، متشکل، با... ادامه در صفحه ۳

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران پیوندید

اردو کشی ناتو... دنباله از صفحه ۱

تقسیم کنند تا تصاویر هوایی از شرکت کنندگان شکل هواپیمای سرنگون شده اوکرائینی را به خود بگیرد. این همه مهندسی نمی‌تواند کار «رهبری» به نام آقای حامد اسماعیلیون باشد که خانواده‌اش در جریان سقوط هواپیما کشته شده‌اند، بلکه کار کسانی است که ایشان را جلو انداخته، باد کرده و عروسکی کرده‌اند تا به نیت شوم خود دست پیدا کنند. سخنرانی‌ها حساب شده و با تأیید دست‌های تجاوزکارانه پشت پرده به ضرر منافع ملی میهن ما بود. به جز سخنان آقای حامد اسماعیلیون که خواست‌های شرکت کنندگان و پیمان تجاوزکارانه ناتو را در این گردهمایی بیان می‌کرد، نماینده دو اقلیت ملی کردها در غرب که خواهان تجاوز جرح بوش پسر به ایران بودند و بلوچ‌ها در شرق که هم اکنون مسلح شده و در زیر رهبری گروه تروریستی اسلام‌گرای «جیش‌العدل» برای تجزیه میهن ما و سوریه‌ای کردن ایران مشغولند به صدا درآوردند. آنوقت نوبت رهبران کبیر مبارزات «آزادبخش» زنان ایران رسید که نماینده آنان در فضیلت همجنس‌گرایی و آزادی جنسی بند را بر آب دادند و حضار «انقلابی» برایشان با همه‌همه کف زدند و ابراز احساسات نمودند. عده‌ای که عنان اختیار را از دست داده و با شعار «ما آرژانتی هستیم عرب نمی‌پرستیم» به میدان آمده بودند که با اشاره فرستنده سعودی اینترنشنال که خطر قطع دستمزدش از عرب‌های عربستان سعودی می‌رفت به سر عقل آمدند و کنار کشیدند و با یک پوزش رسمی، ماهیت نژادپرستانه این اقدامات همه با همی ماستمالی شد. ترکیب این تظاهرات جالب بود. ارکان اصلی آن را یاران و اپوزیسیون گوناگون، از جمله طرفداران رژیم منفور پهلوی، کردهای تجزیه‌طلب منطقه (ایران، عراق، سوریه و ترکیه) - و نه تنها ایرانی - با پرچم کردستان بزرگ که به ایران ربطی ندارد، فرقه تروریست و آشوبگر رجوی تشکیل می‌دادند. توافقی میان فرقه رجوی، شاه‌اللهی‌ها با پادرمیانی حامیان پشت پرده این بود که هر دو طرف از آوردن تصاویر مسعود و مریم و یا رضا پهلوی خودداری کنند و در عوض بر سر پرچم شیرخورشید که ظاهراً نماد معرفی هر دو طرف است توافق کنند. در حالی که فرقه رجوی از ترس واکنش مردم از آوردن تصاویر رهبران بدنام خود خودداری کرده بود، یاران رضا پهلوی با تصاویر وی ظاهر شدند و تلویزیون سعودی اینترنشنال نیز این تصاویر را بر سر آنتن‌ها فرستاد و مدال را به سینه رضا پهلوی زد. در کنار این ستون‌های اصلی تظاهرات ناتو در برلن، ملقمه‌ای از تجزیه‌طلبان آذری با پرچم آذربایجان جنوبی که برای آزادی تنها زندانیان سیاسی متعلق به گرگ‌های خاکستری و نه همه زندانیان سیاسی ایران فعال بودند در کنار عرب‌ها، بلوچ‌ها و... حضور داشتند که بیش از ۱۶ پرچم رنگارنگ تجزیه‌طلبی را همراه داشتند. ارتش آزاد سوریه که همدست فرقه رجوی در سوریه بود و همراه داعش با حکومت بشار اسد می‌جنگید نیز خودنمایی می‌کرد و به جنگ جمهوری اسلامی برای سوریه‌ای کردن ایران آمده بود. تعداد فراوانی آلمانی از حزب انگلومرکابایی و جنگ طلب سبزه‌ها و غیرآلمانی حضور داشتند. لشکر اوکرائینی‌ها، هواداران اسرائیل و آمریکا با پرچم‌های مستقل خود در این راهپیمایی جولان می‌دادند و از مضمون و سیاست این کارناوال سیاسی از صمیم قلب حمایت می‌کردند. پرچم‌های شیر و خورشید و پرچم آبی و زرد رنگ

اوکراین زلنسکی توسط یک بالن با سازماندهی قبلی به آسمان فرستاده شد و پیمان ناتو فیل خود را هوا کرد تا همبستگی «مردم ایران با مردم اوکراین» را به نمایش بگذارد. پرچم‌های شیر و خورشید و کردستان بزرگ برای ایجاد اسرائیل دوم در منطقه موج می‌زد. یک اتحاد همه جانبه زیر شعار همه با هم و بدون دورنما بر ضد رژیم جمهوری اسلامی به وجود آمده بود. اکراد که کردهای کوربانی همدست آمریکا در اشغال سوریه را به دنبال خود آورده بودند با شعار بی‌معنای «زن، زندگی، آزادی» که به ماهیت سیاسی آن خواهیم پرداخت، به میدان آمده بودند. آنها به زبان کردی و تنها در جمع خود این شعار را تکرار کرده و با تدارک قبلی آن را به یکی از شعارهای اردو کشی ناتو بدل کرده بودند تا تمام کردها را با این شعار از سوریه اشغالی تا ایران در صف واحدی گرد آورند و روان اجتماعی در ایران را مصادره نمایند. شعاری که باید طوطی‌وار تکرار شده و گویا باید نماد آزادی زن باشد. تعداد شرکت کنندگان سازمان داده شده سراسری این نمایش با هزینه گزاف بیش از صد میلیون یورویی که از جانب دولت‌ها و سازمان‌های امنیتی در پوشش گروهک‌های فرهنگی، حقوق بشری، سازمان‌های مدنی، همجنس‌گرایان، پاره‌های گروه‌های بی‌هویت سیاسی مخالف رژیم جمهوری اسلامی، هنرمندان، سلبریتی‌ها و... و یا راسا توسط وزارت امور خارجه آلمان صرف شده بود در اخبار نخست به چند ده هزار نفر، بعداً به ۵۰ هزار و سپس به هشتاد هزار و اکنون در این مسابقه رقابتی عددی به ۱۰۰ تا ۱۲۰ هزار نفر رسیده است. «خدا عقابتش را به خیر کند». مضحک‌تر از همه وضع کسانی بود که با تعداد قلیلی از سراسر کره ارض به حمایت از این اردو کشی ناتو آمده بودند و خودشان را «چپ» می‌نامیدند. آنها برای تحمیق دنباله‌روان خود، از «صف مستقل» خود در میان خیل هواداران تروریست و محجبه فرقه رجوی، سلطنت‌طلبان لخت و عور، تجزیه‌طلبان هفت رنگ، دم می‌زدند و بدون کوچک‌ترین تأثیر سیاسی و تبلیغاتی به نقش مهم سیاهی لشکر و رل نعش خود در این نمایش ناتو افتخار می‌کنند. پرچم معیوب اسرائیل را عده‌ای در صف نخست آنها حمل می‌کردند که بعد از مدتی پنهان شد. این جریان نقش کاتالیزاتور در شکل «جبهه سوم» با ناتو را داشته و دارد. آنها این نقش مخرب و مغالطه‌گرانه را در جنبش انقلابی بازی می‌کنند و به مبارزه مردم صدمه زده‌اند. آنها می‌خواهند مردم ساده‌دل و ضد رژیم را که با قلبی مملو از عشق به ایران خواهان سرنگونی رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی بدون دخالت اجنبی هستند و از سرکوب و نقض حقوق زنان متنفرند، در چارچوب سیاست عمومی ناتو به فعالیت وادارند. این اقدامات آنها مسبوق به سابقه است. هر کمونیستی می‌داند که ماهیت تظاهراتی که در برلن برگزار شد نه از روی نیت خوب و بد شرکت کنندگان و یا آمال و آرزوهای قلبی و ضد رژیم جمهوری اسلامی، و یا رویاهای ذهنی، و تصورات روایی آنها، بلکه از روی شعارهای معین و اساسی این حرکت، برگزارکنندگان واقعی آن، سخنرانی‌ها و خواست‌های سیاسی و تأثیر تبلیغاتی این حرکت در تعیین توازن سیاسی اوضاع جهانی تعیین می‌شود. کمونیست‌ها نمی‌توانند در تظاهرات نازی‌ها با «صف مستقل» خویش شرکت کنند که معنایی جز تقویت نازی‌ها ندارد. این «استقلال» فقط در ذهن بیمارگونه این جریان‌ها وجود دارد و نه در واقعیت عینی. این اقدام در عمل فقط وفاداری و

تحقق سیاست همه با هم است که سیاست فرقه رجوی است و مدعی است در درجه نخست باید رژیم جمهوری اسلامی برود و باید بر سر سرنگونی وی به وحدت رسید حتی با داعش و تائیناهاو. سیاستی که می‌گوید ما خودمان هیچ چیز نیستیم، ما را به حساب نیاورید، ما پشتیبان ارزش نداریم، مهم آن است که جمهوری اسلامی برچیده شود و مهم نیز نیست با کدام دست خون‌آلود، مهم آن است که آنها بروند و حتی اگر ایران نابود شود، این سیاست همان بی‌شرف‌هائی است که به ایران‌ستیزی مشغولند. ما برای نقش خودمان که دنباله‌رو جو و سیل هستیم ارزشی قابل نیستیم و به دنبال حوادث برای این که گریه شاخمان نزنند سر به زیر و با هوچی‌بازی راه می‌افتیم. این است منطق «صف مستقل». خوب است که به سخنان آقای حامد اسماعیلیون که برگزیده گروه ۷ است توجه کنیم. سخنان ایشان ماهیت و سیاست این گردهم‌آیی را بیان می‌کند و نه شرکت افراد ناآگاه، زنان، جوانان، اشخاص مملو از احساسات، فریب‌خورده، خوش‌نیت و نظایر آن.

آقای اسماعیلیون که به یک باره به رهبر جنبش همه با هم برای نابودی ایران تبدیل شده است، رویاهائی دارد که فقط امیال دشمنان ایران است. وی تلاش دارد از نقرتی که مردم به جمهوری اسلامی دارند پوسته‌ای شیرین برای سم مهلکی بسازد که خوردن آن مرگ سریع را با خود همراه دارد که تحقق سیاست منطقه‌ای امپریالیسم است و نه آرزوی مردم ایران. آقای حامد اسماعیلیون آرزوهای دشمنان ایران را که بارها بر زبان آوردند و در مذاکرات هسته‌ای به عنوان چماقی علیه حقوق مسلم و قانونی ایران به هوا برده بودند بر زبان می‌آورد که گویای آن است که وی را برای این نقش آفرینی آماده کرده‌اند. وی هوادار پایان دادن به سیاست خارجی کنونی جمهوری اسلامی در منطقه است، اتفاقاً سیاست‌هائی که به نفع منافع ملی ایران بوده و نقشی راهبردی در تأمین استقلال ایران دارند. بدون حمایت ایران از جنبش فلسطین و لبنان، بدون مبارزه علیه صهیونیسم حکومت غاصب اسرائیل، بدون مبارزه بر ضد داعش در سوریه و عراق، بدون حمایت از مبارزه استقلال‌طلبانه مردم یمن معلوم نبود که سرنوشت امروز مردم کشور ما چه بود. اتفاقاً همین سیاست‌ها مانع از آن شده است که ایران را دشمنان میهنمان با خاک یکسان کنند و از آن ویرانه‌ای مانند لیبی، عراق، سوریه و افغانستان بسازند. جنگ‌طلبان، یاوران آقای اسماعیلیون هستند و ایشان اگر چشمان دشمنان ایران را برای دیدن به عاریه نمی‌گرفتند، می‌دانستند که تجاوزگر در لیبی، افغانستان و عراق ایران نبود، بلکه نام آن متجاوز آمریکاست. این ایران نیست که سرزمین لبنان، اردن، فلسطین را اشغال کرده است، بلکه نامش اسرائیل است. پس چرا آقای اسماعیلیون دروغ می‌گوید؟ دشمنان خونخوار ایران که دنیا را به خاک خون کشیده‌اند، هوادار نقض همه حقوق جهانی ایران در مراجع بین‌المللی هستند و بزرگ‌ترین تحریم‌های ضدبشری را که یک جنگ اقتصادی جنایتکارانه است بر ضد کشور ما اعمال می‌نمایند که صدها مهسا امینی محصول آن بوده‌اند ولی در رویای آقای اسماعیلیون این ایران است که طالب خونریزی و برهم زدن امنیت منطقه بوده و نه اسرائیل و نه آمریکا که از آن سر دنیا به منطقه آمده و سوریه، عراق، افغانستان را اشغال و ویران کرده است. آیا این ایران... ادامه در صفحه ۳

**سرنگون باد رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی ایران به دست مردم ایران**

## اردو کشی ناتو... دنباله از صفحه ۲

است که متجاوز است یا عربستان سعودی، ترکیه، ناتو و امپریالیسم غرب؟ رویای آقای اسماعیلیون آرزوهای به گور برده شده ارباب ایشان گروه ۷ است و نه مردم ایران. وقتی وی می‌طلبد: «از مذاکره با جمهوری اسلامی دست بردارید... سفرای جمهوری اسلامی را از کشورهای خود اخراج کنید... با نوکیسه‌های جمهوری اسلامی همان کاری را کنید که با نوکیسگان پوتین کردید. اموالشان را ضبط کنید و نگذارید خون مردم بی‌گناه ایران را بکنند.» باید به ایشان گفت این پیشنهاد شما تشدید تحریم‌های غیرقانونی و ضدبشری علیه ایران است و مردم ایران را هدف می‌گیرد. ایشان در واقع خواهان رفع تحریم‌ها علیه ایران نیست حتی خواهان افزایش تحریم‌ها در سطوح دیگر است. باید از ایشان پرسید که چرا از اربابشان آقای ترودو رئیس جمهور کانادا نمی‌خواهند تا اموال دزدی به نام آقای خاوری را که از سردمداران رژیم جمهوری اسلامی بوده و با سرقت اموال مردم در کانادا به عیاشی مشغول است مصادره نمی‌کند؟ آقای اسماعیلیون گذرنامه کانادایی دارد، به ایران نمی‌رود و برایش مهم نیست که در همه نمایندگان رسمی ایران در ممالک ناتو بسته شوند، زیرا ایشان برای سرنوشت صدها هزار ایرانی که باید برای رفع مشکلاتی که دارند به این نمایندگی‌ها مراجعه کنند، ارزشی قابل نیست. ایشان نام یک شورش کور، بدون دورنما، بدون برنامه، بدون مطالبات روشن را که نقطه قوتش در تبلیغات فضای مجازی در دست ناتو است، عوام‌فریبانه انقلاب می‌گذارد که فقط نشانه عمق بی‌سوادی ایشان نیست، بلکه دستکاری امپریالیستی و تبلیغاتی برای معیوب کردن مقولات علمی بوده و ارزش دادن به یک حرکت زنانه‌ی محدود، کور، عصیانگر، مخملی برای نیات شوم بعدی است. در رویای آقای اسماعیلیون فروش اسلحه ایران به روسیه و یا هر کشور مخالف گروه ۷ کشتار مردم است، ولی فروش و ارسال میلیاردها دلار تسلیحات نظامی از جانب غول‌های ناتو به اوکراین برای کشتار مردم روسیه و اوکراین عین دفاع از صلح و حقوق بشر به حساب می‌آید. یک انسان تا چه حد می‌تواند با تجاهل به دشمنان بشریت خدمت کند و شب را روز بنماید. این برگزارکننده تظاهرات ناتو که هدفش از آن تنها برای مشروعیت بخشیدن و توجیه آفرینی برای تجاوز «بشردوستانه» ناتو به ایران است، رویاهائی را بیان کرد که قبلا اوباما، ترامپ و جو بایدن در نظریات خویش در برخورد خود در انتقاد به سند برجام بر زبان آورده بودند و سخنان نوئی نیست. وی خواست امپریالیسم آمریکا را به عنوان رویای خود رنگ آمیزی و آرایش می‌کرد و می‌خواهد به عنوان کالای نو به فروش برساند. در رویای ایشان نفت ایران، که دیگر با سرنگونی رژیم منفور پهلوی در انقلاب ۱۳۵۷ به رایگان به حلقوم اربابانش نمی‌رود و توانسته تحریم‌ها را دور بزند و به فروش برسد، برای ناتو که کمیود سوخت دارد، طبیعتا یک مصیبت است، ولی برای مردم ایران یک نعمت و این را اربابان آقای اسماعیلیون برنمی‌تابند و آن را در سخنرانی آقای اسماعیلیون به یک مسئله مرکزی بدل کرده‌اند. ببینید وی رویا و خواست‌های گروه ۷ برای آماده کردن تجاوز به ایران را چگونه بیان می‌کند: «همه ما رویایی داریم و این رویا فقط با سقوط جمهوری اسلامی تحقق می‌یابد. این رویا با سرنگونی امپراتوری ترس و جنایت علی‌خانه‌ای تعبیر می‌شود.» و برای

رد گم کردن که در خطاب به ناتو آرزو و رویایش را به صراحت بیان کرده و دست به دامان دشمنان ایران شده است، برای فریب مردم اضافه می‌کند: «کسی از شما نخواست وارد جنگ شوید یا مردم ایران را تحریم کنید. درخواست ما تحریم هدف‌مند مقام‌های جمهوری اسلامی است. درخواست ما تحریم و اخراج عوامل خون‌شویی و لابی‌گران برای جمهوری اسلامی است.» ببینید وی موزیانه از لزوم جنگ برای سرنگونی و سقوط رژیم و تحریم هدف‌مند صحبت می‌کند تا بتواند بار خیانت ملی را که بردوش سنگینی می‌کند، سبک کند. وی در عمل سرنگونی هدف‌مند رژیم جمهوری اسلامی را به دست ناتو آرزو دارد، ولی در حرفی خواهان «جنگ» نیست، وی خواهان تحریم نیست خواهان

**تحریم هدف‌مند است؟! یعنی تحریم ۴۳ ساله‌ای که بر ضد مردم ایران وجود دارد کافی نیست و باید به طور هدف‌مند تشدید شود.** تزویر از سرپای این قطعنامه پایانی گردهمائی ناتو می‌بارد. در خواست ایشان آن است که ناتو برای تشدید تحریم‌ها، برای قطع فروش اسلحه ایران به روسیه، برای تغییر سیاست خارجی رژیم ایران که باید در خدمت صهیونیسم اسرائیل باشد به ایران حمله کند. ناتو باید جمهوری اسلامی را ساقط کند بدون این که «جنگ» شود، از دماغ یک ایرانی خون جاری شود، و یا حتی یک ایرانی تحریم گردد و یا خانه و کاشانه‌اش ویران گردد. وی موافق «انقلاب زنانه مخملی» است و تجاهل می‌کند که غرب به رهبری ناتو ۴۳ سال است که با ایران در حال جنگ و تحریم است. مگر محاصره ایران برای کشتن مردم ایران، برای از پای درآوردن این کشور نامش جنگ نیست؟ تف بر این ریاکاری و عوام‌فریبی در این نمایش سازمان یافته ناتو تصاویر خامنه‌ای، پوتین و شی جین پینگ حمل می‌شدند که بر روی آنها به عنوان متحد و ملعون ضربدری زده بودند. پرسش این است که توهین به پوتین و شی جین پینگ و یا فیل هوا کردن اوکراین چه ربطی به قتل خانم مهسا امینی دارد؟ مسئله روشن است ناتو با شکست در شرق و زوال دنیای تک‌قطبی با افسارگسیختگی و هاری وصف ناپذیر به ایران که نقش کلیدی در این گردش به عهده گرفته است هجوم می‌آورد. آنها از خواسته‌های محق زنان ایران و خانواده شهدا سوء استفاده می‌کنند تا تمام ایران را عزادار کنند. آنها دلشان برای مهسا امینی و نقض حقوق بشر نمی‌سوزد از گردش ایران به سمت شرق و خنثی شدن تسلیحاتشان در اوکراین و شکسته شدن محاصره اقتصادی روسیه می‌سوزد. این هجوم همه جانبه که با تعامل اصلاح‌طلبان برکنار شده از حکومت انجام شده و بسیاری از روشنفکران جاهل و یا خودفروخته ایرانی را چه در داخل و چه در خارج ایران در خود غرق کرده است، کار را به آنجا رسانده‌اند که آنها چون دروزگان دست به دامان دولت آلمان، آمریکا و اتحادیه اروپا می‌شوند تا ایران را نابود کند. آنها برای تحریم و تجاوز و نقض حقوق قانونی ایران امضاء جمع می‌کنند و این بی‌غیرتی سیاسی و فرومایگی خود را به عنوان حمایت از مهسا امینی جا می‌زنند.

ماهیت اردو کشی ناتو در برلن ارتجاعی، امپریالیستی، برضد منافع ایران و خلق‌های منطقه است. هر جریانی که در این گردهمائی رقصی کرده است از خط قرمزی گذشته که حداقل عمق کوتاه‌نظری، کوربینی، تفکر داعشی و قصاصی خویش را نمایش داده است. در اینجا

«صف مستقل» وجود ندارد همان‌گونه که در گذشته نیز «خط سومی» در صورت تجاوز آمریکا به ایران وجود نداشت. در اینجا دو جبهه است یا می‌خواهیم مشکلات داخلی ایران را با دست مردم ایران، در درون ایران، با مبارزه با جهان تک‌قطبی، حمایت از خلق‌های منطقه، تکیه بر منافع ملی و مبارزه در جهت برپائی ایرانی که مبین منافع زحمتکشان و اکثریت مردم ایران باشد حل کنیم و یا چون دروزگان سیاسی از تجاوز و تحریم ایران حمایت می‌کنیم و خودمان را در پشت پرده فریبنده «حقوق بشر»، و اخیرا «زن، زندگی، آزادی» پنهان کرده برای ناتو شیپور جنگ می‌زنیم و به تروریسم، خرابکاری و جنگ داخلی برای تجزیه ایران و تبدیل ایران به سوریه یاری می‌رسانیم. راه دیگری وجود ندارد.\*

## سخنی پیرامون... دنباله از صفحه ۱

رهبری مدبر و در خدمت سربلندی ایران. آنها خیل زنان ناراضی و جوانان سرخورده را برای لیبی کردن و سوریه‌ای کردن ایران می‌خواهند. این است که آنها مرزهای ملی و طبقاتی را زدوده و به دنبال «انقلاب مخملی زنانه» هستند و تمام گروه‌های ارتجاعی سازمانیافته در فضای مجازی در ایران و دنیا از آنها دفاع می‌کنند و آنها را ترغیب می‌نمایند تا کشته شوند و غذای تبلیغاتی برای ارتجاع جهانی و داخلی فراهم کنند. این شعار از نظر سیاسی نیز نقش مهمی ایفاء می‌کند، زیرا می‌تواند جریان‌های ارتجاعی فمینیستی در غرب را با آن همراه کند و برای تجاوز آمریکا به ایران مشروعیت فکری بیافریند. اربابان این نظریات از هم اکنون از گزینش تجاوز به ایران سخن می‌گویند و خود را حامی این تفکر معرفی می‌کنند. این شعار از جمله علم کردهای مسلح کوبانی است که در کنار امپریالیسم آمریکا برای تجزیه سوریه می‌جنگند و نفس زن و مسلح بودنشان باید بر این خیانت ملی و زشتی همکاری با بیگانگان، غارت نفت سوریه پرده افکند، همان‌گونه که در سوریه در کنف حمایت امپریالیسم آمریکا که دشمن خلق‌های منطقه است در تحت شعار «زن، زندگی، آزادی» مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد. وقتی اکراد به طور کلی تلاش دارند این شعار عمیقاً سیاسی و مخدوش را با زور تبلیغات و تهدیدات، با انگ زن‌ستیزی و تحریک احساسات و سوءاستفاده از روش دشمن، به شعار عمومی جنبش و پرچم تجزیه‌طلبان بدل کنند، هدفشان آزادی زنان نیست، آزادی تجزیه‌طلبی و حضور آمریکا در منطقه کردستان ایران است که در پشت سر این شعار جا می‌اندازند. آنها تلاش دارند حمایت زنانی را جلب کنند که به جز حجاب و زندگی شخصی چیزی برایشان مطرح نباشد و برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی به هر قیمت و فقط سرنگونی این رژیم زن‌ستیز با نابینائی و خیم سیاسی فعال شوند و در جبهه تجزیه‌طلبان به سینه‌زنی بپردازند. این شعار یادآور انقلاب نارنجی و مخملی اوکراین با... ادامه در صفحه ۵



**پایان نظم تک قطبی... دنباله از صفحه ۱**

هندوستان، روسیه، برزیل، آفریقای جنوبی و بسیاری ممالک دیگر، جهان به سمت و سوئی می‌رود تا مجدداً توازن میان نیروهای سیاسی جهان در کره خاکی برقرار شود. دوران قدر قدرتی آمریکا به پایان رسیده است و خشم، هذیان گوئی، توحش، ماجراجویی، سفاکی و خونریزی این دیو زنجیرگسیخته از همین وحشت از تنزل سطح کیفی سابق و از دست دادن سلطه بلامنازع خویش ناشی می‌شود.

هر کس خصلت دوران ما را درک نکند و تلاش نماید که از هم‌اکنون جایگاه خویش را در مسیر این تحولات تعیین نماید و به جای نزدیک‌بینی سیاسی به دوربینی و آینده‌نگری متوسل شود، در آینده راه به جایی نخواهد برد و بازیگری بازنده در تحولات جاری جهان است. بسیاری از دولت‌ها صف‌بندی‌های خویش را از هم اکنون تعیین کرده‌اند. باد شرق و آفتاب برآمده از شرق بر غرب غارت‌گر و خونخوار می‌وزد و آنها را به عقب می‌راند و بر آن پیروز خواهد شد.

در جبهه مقاومت ضد استعماری غرب، دولت چین و روسیه قرار دارند که علیرغم ماهیت غیرقابل انکار امپریالیستی آنان نقش مثبتی در تحولات جهان کنونی و نابودی زنجیرهای استعماری سنتی غربی در عرصه سیاست جهانی بازی می‌کنند. این وضعیت به طور عینی به نفع خلق‌های جهان است. چین با رشد عظیم اقتصادی، ساختن جاده ابریشم برای انتقال کالاهای تولید شده در چین به آسیا و اروپا، سرمایه‌گذاری‌های عظیم بر سر راه این جاده و ایجاد پیوند میان شرق آسیا، با آسیای میانه، روسیه، اروپا و گردش به سمت غرب آسیا و آفریقا سنگرهای استعمارنو را یک به یک تسخیر می‌کند. تجارت نهارتی چین با این ممالک، اعلان جنگی در درجه نخست بر ضد سلطه دلار بدون پشتوانه است که اقتصاد آمریکا را متلاشی خواهد کرد. پیوند کشورها در مسیر جاده ابریشم بازارهای فروش کالا و تجارت جهانی را در اختیار چین و هند و پاره‌ای ممالک دیگر قرار خواهند داد که این بازارها از حیث سلطه اقتصادی آمریکا به در خواهند آمد. حرکتی که اکنون شکل گرفته است، دنیای تک‌قطبی را به سوی دنیای چندقطبی می‌برد، دنیایی که اکثریت مردم جهان، بزرگ‌ترین اقتصاد جهان، بزرگ‌ترین منابع اولیه تولید و سوخت فسیلی و گاز جهان، بزرگ‌ترین تنوع قومیتی، فرهنگی، کثرت جمعیت را دربر می‌گیرد. این حرکت تیر خلاصی به شقیقه آمریکاست و هارشدن و چنگ انداختن آنها نیز از همین واقعیات سرچشمه می‌گیرد. نفرت ضد ایرانی و اردو کشی امپریالیسم علیه ایران در عرصه جهانی به خاطر گردش حکومت ایران به شرق است و نه دلسوزی برای حقوق بشر ادعائی آنها. آمریکا، اسرائیل، اروپای نامتحد که آینده خویش را در خطر می‌بینند با تمام قوا تلاش دارند تمام مولفه‌های قدرت گیری شرق و جهان چندقطبی را برهم زنند. حربه آنها تروریسم داعشی، ایجاد ترلزل و بی‌ثباتی، جنگ ترکیبی و نظامی، ماجراجویی، اغتشاشگری، کودتا، خرابکاری، جنگ داخلی، انقلاب مخملی، فعال کردن ستون پنجم در درون کشورها، جاسوسی، جنگ روانی و تبلیغات ماهواره‌ای رسانه‌ای، دروغ پردازی، ایجاد تفرقه و تحریم سیاسی و اقتصادی به انحراف کشیدن مبارزه محقانه جوانان ایران است. نقض همه حقوق بین‌الملل

و دیدگی در نقض حقوق بشر و به دور انداختن پرده‌های ریاکاری شمه‌ای از مجموع سیاست‌های کلان آنهاست.

آمریکا تنگه مالاکا را برای کنترل نیازمندی‌های تجارت چین، ورود انرژی به چین، کره جنوبی و ژاپن در دست دارد. تنگه‌های کانال سوئز، باب‌المندب، جبل الطارق و تنگه پاناما را در دست داشته و یا رصد می‌کند. ما از نیروهای نظامی آمریکا در جهان که بیش از ۸۰۰ پایگاه رسمی و علنی نظامی دارند سخن نمی‌رانیم. در این پایگاه‌ها بمب اتمی وجود دارند و ناوگان عظیم دریائی آمریکا که دریاها را تحت نظارت و قرق خود گرفته‌اند و مانند راهزنان دریائی از آمد و رفت کشتی‌ها ممانعت می‌کنند، جای خود را دارند. شبکه تار عنکبوتی گوگل و فضای مجازی کاملاً در دست آمریکاست و به تولید اخبار دروغ با یاری صنایع هولووود اشتغال دارد. این مجموعه در کنار سازمان نظامی تجاوزکارانه و ضد بشری ناتو تضمین‌های برتری قدرت آمریکا و حفظ آن برای تسلط امپریالیسم آنگلو ساکسون در آینده بشر است.

کشیدن جاده ابریشم از چین به اروپا از طریق آسیای میانه، پاکستان، افغانستان، ایران، جمهوری آذربایجان به روسیه، دریای سیاه، ترکیه، عراق، سوریه به دریای مدیترانه و یا حفر تنگه نیکاراگوئه به موازات تنگه پاناما برای اتصال اقیانوس اطلس به اقیانوس آرام تماماً در خدمت تضعیف این برتری راهبردی آمریکاست. این اقدامات مستقلانه خشم عمو سام راشعه‌ور ساخته و آینده‌اش را تاریک می‌نمایاند.

**شکست امپریالیسم آمریکا در سازمان تجارت جهانی**

سیاست غارت‌گرانه و نواستعماری نئولیبرالی اقتصاد سرمایه‌داری حکم می‌کرد که مرزهای گمرکی برداشته شوند و دروازه‌های کشورها بر روی کالاهای رقبا گشوده گردند. بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول وظایف این غارت‌گری ضد بشری را به عهده گرفتند. این سیاست گرچه در مورد ممالک ضعیف سرمایه‌داری و حتی غیرسرمایه‌داری فاجعه‌آمیز بود که ما شاهد تحقق آن توسط مافیای خانواده رفسنجانی در ایران بودیم و هستیم، ولی در مورد پاره‌ای از کشورهای امپریالیستی قدرتمند نظیر آلمان از سود سرشار مملو بود. آلمان توانست رهبری اقتصادی و سیاسی اروپا را به چنگ آورد و به لکوموتیو اقتصاد اروپا بدل شود. آلمان با استفاده از همین قانون به توسعه اقتصادی در آمریکا پرداخت و صنایع اتومبیل‌سازی آمریکا را به روز سیاه نشایند. در کنار آلمان دولت چین بازارهای آمریکا را در دست گرفت و به تقویت صنایع خویش پرداخت. قانون تجارت جهانی در مورد آمریکا در رقابت با پاره‌ای کشورها به ضد خود بدل شدند و این وضعیت خشم آمریکا را نسبت به آلمان و چین برانگیخت. آنها در حالی که با ریاکاری از همه ممالک می‌طلبیدند به قانون تجارت جهانی احترام بگذارند، خود، این قانون را به زیر پا گذارند و از توافقات جهانی با گردن کلفتی خارج شدند. قذعلم کردن ترامپ در مقابل آلمان و چین دارای این منشاء اقتصادی و سیاسی برای استیلا بر جهان است و آنها امروز در جنگ اوکراین، اقتصاد آلمان را به چالش و نابودی کشیدند و با سیاست گردش به سمت اقیانوسیه و بسیج استرالیا، زلاندنو،

ژاپن و کره جنوبی، جنگ طلبی و تحریکات در تایوان که بخش لاینفک خاک چین است به مقابله با چین رویه رشد پرداختند. مبارزه برای نابودی چین در دستور کار آمریکا برای حفظ سلطه دلار و جهان تک‌قطبی است. تمام تبلیغات ضدچینی اپوزیسیون ضدایرانی ایران سرمنشأش در پنتاگون است.

**جنگ اوکراین**

امپریالیسم آنگلو ساکسون برای حفظ استیلاي خویش بر جهان لازم می‌دید که کشور اوکراین را به ناتو بکشاند و امنیت روسیه را به خطر اندازد. کنترل دریای سیاه را به دست بگیرد و با فشار به روسیه، تحریم روسیه، تحریک در روسیه توسط ستون پنجمش که مرتب آنها را فعال می‌کردند، از مزدوری به نام «آلکسی ناوالنی» (Alexei Navalny) به عنوان مَهره خود به حمایت «بشردوستانه» برخاستند تا اقتصاد روسیه را درهم‌شکنند، روسیه را تجزیه کند و راه چین به اروپا را ببُرد. تسلیح اوکراین تا بن دندان، اعزام داوطلبان نازی از ممالک اروپائی و داعش و فرقه رجوی از سوریه و تیرانا به آنجا، روی کار آوردن نازی‌های آژوف و یاران «استپان باندر» را یک کودتای آمریکائی در ۲۰۱۴ در کی‌یف و با تسلیح و تدارک ستون پنجمشان در کی‌یف به عنوان مبارزات مردمی در «مایدان»، بخشی از این دسیسه‌ها بود. آمریکا به یاری ترکیه، آلمان، سوئد، لهستان تلاش کرد به یک کودتای ناموفق آمریکائی در قزاقستان دست زده ارتباط روسیه را با چین قطع نماید و پشت جبهه روسیه را برای مقابله با نازی‌ها در کی‌یف و ناتو تضعیف نماید. همین ماموریت را مانکن‌های فمینیست خوش برو روی بلازوس تحت نام «انقلاب زنانه» برای ایجاد اغتشاش، آشوب، ترلزل و بی‌ثباتی در روسیه سفید در پیش گرفتند که هر دو با شکست روبرو شد. قبل از آن با تجاوز میخائیل ساکا‌آشویلی رئیس جمهور آمریکائی دست نشانده در گرجستان به روسیه - که به شدت سرکوب شد - راه گرجستان را برای پیوستن به ناتو می‌گشودند. اقدامات پیش‌گیرانه روسیه برای حفظ امنیت و ممانعت از یک جنگ گسترده و روبروئی با ناتو دسیسه‌های آمریکا و متحدانش را برهم زد و کار به جایی رسید که نه تنها امپریالیسم آنگلو ساکسون در عرصه سیاسی بلکه در عرصه اقتصادی هم با شکست روبرو شد و جنگ با روسیه و گسترش ناتوی تجاوزکار به شرق برای اشتغال روسیه، آلمان را در آستانه ورشکستگی اقتصادی قرار داده و اروپا را به شدت تضعیف کرده است.

**تخریب در ساختمان جاده ابریشم از طریق دخالت در امور کشورها**

در این مدت آمریکا و متحدانش تلاش فراوان دارند تا در گسترش راه جاده ابریشم تخریب کنند. کودتای در پاکستان و برکنار کردن عمران‌خان و توسل به ترور ناموفق وی، تخریب در روابط ارمنستان با جمهوری آذربایجان از طریق ترکیه با طرح مجدد دالان زنگزور که ارتباط ایران با روسیه و دریای سیاه را می‌بست و به محاصره اقتصادی روسیه یاری می‌رساند، تحریک به جنگ در قره‌باغ، سفر خانم نانسی پلوسی رئیس‌کنگره آمریکا به ایروان در ارمنستان و شرکت نمایندگان اتحادیه اروپا و اسرائیل در قفقاز تا کنترل این منطقه را برای باز کردن پای ناتو به دایره قفقاز جنوبی و خفه کردن روسیه به دست... ادامه در صفحه ۵

**گشت ارشاد منحل و حجاب اجباری ملغی باید گردد!**

پایان نظم تک قطبی... دنباله از صفحه ۴

بگیرد و یا تخریب در همکاری روسیه و آذربایجان در تکمیل خط آهن رشت- استارا و بهره‌برداری از این پروژه ریلی که با واکنش نظامی ایران و فشار روسیه با شکست روبرو شد. تلاش آمریکا برای تضعیف حکومت کنونی افغانستان و اعزام داعش به آنجا برای ایجاد بی‌ثباتی و تحریکات ستون پنجم آمریکا در داخل افغانستان و ایران که ایران را با افغانستان درگیر نماید، ایجاد درگیری در ممالک آسیای میانه، فشار به عربستان سعودی و امارات برای عدم نزدیکی به چین و گرایش به شرق، دامن‌زدن به تفرقه‌های قومی در میانمار و حمایت غیرمترقبه «دلسوزانه» از مسلمانان «روهینگیها» در آنجا بعد از چند سال نسل‌کشی آنها، به دست گرفتن مزورانه پرچم «مسلمان‌دوستی» در چین و عزاداری برای ایغورهای چینی، تشدید خرابکاری تجزیه‌طلبان کرد با یاری اقلیم اسرائیلی کردستان در عراق و گروه‌های تروریستی بلوچ، برای ایجاد بی‌ثباتی در ایران، بخشی از سیاست برهم زدن ساختمان جاده ابریشم و محاصره چین و روسیه است. هم اکنون اغتشاشات در بلوچستان که ربطی به قتل مهسا امینی ندارد، در خدمت تخریب در باراندازی بنادر جنوب، ایجاد بی‌ثباتی و ناامنی و قطع دالان اتصال جنوب ایران از طریق اقیانوس، هند، دریای عمان به روسیه است. در تشدید این تضادها، ایران به یکی از ارکان‌های بزرگ اتصال جاده ابریشم بدل شده که نقش کلیدی در ساختمان دنیای آینده شرق و برهم خوردن استیلای آمریکا در جهان بازی می‌کند. ایران در تنگه هرمز بر جاری بودن نفت جهان نظارت می‌کند و گلوگاه انتقال نفت از عراق، کویت، عربستان سعودی، امارات، قطر و... را در دست دارد. ایران با نقشی که در منطقه بازی می‌کند و توان نظامی مهمی که به دست آورده و تجاری که در دوردن تحریم‌ها کسب نموده است به یکی از مهره‌های مهم منطقه بدل شده که خار چشم امپریالیسم و صهیونیسم و ستون پنجم آنها در ایران است. ایران با کسب فناوری موشکی که خار چشم دشمنان ایران است بر باب‌المنذب، کانال سوئز و در نزدیکی با الجزایر و نهضت پلیساریو در مارکش بر تنگه جبل الطارق رصد دارد. هندوستان و سایر دول منطقه آفریقا- آسیا از طریق بنادر جنوبی ایران و دالان اتصالی ایران به روسیه کالاهای خویش را با دوردن تنگه‌های زیر کنترل آمریکا به روسیه می‌رسانند و تجارت با روسیه را نظارت می‌نمایند. حلقه امپریالیستی محاصره تجاری روسیه با نقش ایران در شرق برهم خورده و دسیسه‌های ارتجاع جهانی نقش برآب گشته است. سرنوشت پیروزی روسیه در جنگ اوکراین و شکست امپریالیسم و ارتجاع جهانی به نحوی با سرنوشت ایران پیوند می‌خورد.

این یورش کنونی جهانی افسارگسیخته و هار امپریالیسم و ارتجاع جهانی و منطقه‌ای که امروز برای دخالت نظامی در ایران، تشدید تحریم‌ها، بمب‌گذاری‌ها، اعزام داعش، تقویت تجزیه‌طلبان قومی به ویژه گردهای تجزیه‌طلب اسرائیلی که خواهان تجاوز آمریکا به ایران بودند و هستند، ترورهای مشکوک معترضان با روش‌ها آزموده در سوریه، تسلیح گروه‌های بی‌هویت معترض و مخالف به انواع سلاح‌ها، ترغیب به جنگ داخلی، آدم‌کشی، افزایش خشونت بربرمنشانه و ساختن تئوری

«دفاع مشروع» برای آدم‌کشی که کلیدواژه‌های توجیه تروریسم هستند و فعال کردن ستون پنجم بیگانگان در ایران و اصلاح‌طلبان آمریکائی، همراه با رسانه‌های استعماریشان و...، بخشی از سیاست راهبردی امپریالیسم انگلوساکسون برای نابودی ایران، تبدیل ایران به مستعمره کوچک و تجزیه ایران است. روشن است ایران تجزیه شده قابل بلع می‌گردد و آنوقت بر سر جنازه‌اش می‌شود آزادانه رقصی و پایکوبی کرد و عریان رقصید و می‌نوشید، مسلماً این اقدامات باب طبع عمال ساخته پرداخته «حقوق بشری» امپریالیست‌هاست. کسانی که این کل، این سیاست کلان را نبینند، کسانی که روند سیر تحولات ناگزیر تاریخی را مد نظر قرار ندهند و سرشان را مانند کبک در برف پنهان کنند، و سر خود را با افسانه «انقلاب زنانه» گرم نمایند، حتی اگر با خوش‌نیتی و دنیای رویائی خویش به فقر چاه بروند، در خدمت به نابودی ایران در خدمت امپریالیسم جهانی تلاش می‌کنند و مهره‌های بازارزنده در مسیر تحولات تاریخی آینده ایران‌اند. ایران این بار پل پیروزی است و با تمام دسیسه‌های گماشتگان امپریالیسم در ممانعت پیمودن این راه توسط ایران مقابله می‌گردد. مردم قهرمان ایران باید تنها با اتکاء به نیروی خود، بدون عجز و لابه و دست به دامان جلاخان و سلاخان آزموده خارجی شدن، برای تسویه حساب با رژیم حاکم با داشتن دوزنما، با دارا بودن تشکیلات و رهبری میهن‌دوست، با برنامه و خواسته‌های روشن انقلابی و خلقی، با دارا بودن بدیل مورد تأیید اکثریت زحمتکش جامعه به مبارزه برخیزند. ارتش ناتو و ستون پنجم فکری آنها و جانیانی که ایران را چاپبند و به خاک و خون کشیدند، متحد مردم ایران نیستند. آنها از افزایش اجساد لذت می‌برند تا دکان سیاسی‌شان پر رونق گردد. تشویق و ترغیب آنها به خشونت و تروریسم، خرابکاری و آدم‌کشی با این انگیزه صورت می‌گیرد. کسانی که تاریخ ایران را ندانند و یا بدانند و تحریف کنند، همواره در حلقوم کوسه‌ماهی‌های بزرگ رقصی خواهند کرد و آن را نماد آزادی و زندگی و «انقلاب مخملی زنانه» جا می‌زنند.\*

۱- میخائیل ساآکاشویلی یک سیاست‌مدار گرجی- اوکراینی است، که ریاست شورای اصلاحات ملی اوکراین را بعد از برکناری از ریاست جمهوری گرجستان به عهده داشت؟! و به علت فساد تحت تعقیب قرار گرفت. وی از ژانویه سال ۲۰۰۴ تا نوامبر سال ۲۰۱۳ ریاست جمهوری گرجستان و از ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۶ فرماندار استان اودسای اوکراین بود که در آنجا به کشتار کارگران اتحادیه کارگری و سوزاندن آنها دست زد. میخائیل ساکاشویلی در اوکراین متحدان بانفوذی، از جمله یولیا تیموشنکو، نخست‌وزیر اوکراین را داشت و دارد. وی در سال ۱۹۹۲ از مؤسسه روابط بین‌الملل دانشگاه ملی در شهر کی‌یف فارغ‌التحصیل شد. وی در برنامه‌های بورسیه تحصیلی ادموند موسکی از وزارت امور خارجه آمریکا، به عنوان افسر حقوق بشر شورای موقت دولتی گرجستان فعالیت می‌کرد و بورس می‌گرفت و در سال ۱۹۹۴ ال‌ال‌ام را از مدرسه حقوق کلمبیا اخذ کرد و سال بعد را در دانشکده امور عمومی و بین‌المللی دانشگاه کلمبیا و دانشکده حقوق دانشگاه جرج واشینگتن گذراند. وی به علت ورود غیرقانونی به گرجستان، تحریک به کودتا و شورش در تفلیس دستگیر شد و در زندان به سر می‌برد.

سخنی پیرامون... دنباله از صفحه ۴

نقش آفرینی خانم بدنامی به نام «تیموشنکو» در خدمت آژوف و ناتو است. این نوع «انقلاباتی» که زنان را به عنوان کالا و ابزار عوام‌فریبی علم می‌کنند، تازگی ندارد و نوع ناموفق آخرش توسط چند تا مانکن در روسیه سفید اجراء شد. ضدانقلاب در ایران قصد دارد با تئوری‌سازی و افسانه‌سرایی در مورد این شعار و با تفسیرهای موهومی که تنظیم و تدوینش را به عهده «چپ» بریده و خودفروخته و حامی تجاوز و تحریم ایران می‌گذارند خوراک مغزشوئی را تهیه نمایند. فرقه رجوی و اکراد که هیچ کدام هوادار حمایت از جنبش زنان برای رفع حجاب نیستند و هرگونه جنبش زنان مثلاً در اقلیم کردستان عراق هم از نظر اخلاقی، ناموسی، سیاسی سرکوب می‌شود به یک‌باره از این شعار «همه با هم» به قصد تفرقه در ایران و مخدوش کردن مرزهای روشن مبارزه و خط تمایز دوست و دشمن استفاده می‌کنند. کسانی که در برخی مناطق کردستان هنوز از ختنه زنان و قتل‌های ناموسی حمایت می‌کنند نمی‌توانند با نقاب «زن، زندگی، آزادی» برای فریب افکار عمومی به میدان آیند. مبارزه مردم ایران مبارزه میان زنان و جمهوری اسلامی، مبارزه میان مردان و زنان نیست، مبارزه‌ای طبقاتی برای رهایی از دست نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است و در این مبارزه سیاسی طبقاتی مجموعه طبقه کارگر، اعم از زن و مرد و همه اقوام ایرانی، همه زنان و مردان ایرانی که خواهان حفظ تمامیت ارضی ایران هستند، با تحریم‌های جنایتکارانه امپریالیسم مخالفند، از حقوق قانونی ایران در تمام عرصه‌ها و مراجع جهانی دفاع می‌کنند و عمیقاً بر این نظرند که سرنوشت خلق ایران باید به دست خودش تعیین شده و تنها زنان و مردان و در یک کلام خلق ایران است که مشروعیت دارد با رژیم کنونی تسویه حساب کند، در این جبهه و در جبهه خلق لایزال ایران قرار دارند. شعار «زن، زندگی، آزادی» با مبارزات مردم ایران بیگانه است و باید ماهیت آنرا برای همه نیروهای انقلابی و مردم ایران روشن کرد و مضمون تجزیه‌طلبانه و مخدوش آن را در خدمت استتار دشمنان مردم ایران برملا ساخت. فراموش نکنیم که بدون شرکت زنان در کنار مردان با اهداف روشن میهنی هیچ جنبش انقلابی به نتیجه نخواهد رسید. مانع شویم که بانوان میهن ما را فریب دهند.\*

با توفان همراه شوید

@TOTOUFAN

facebook  
HEZBEKAR.TOUFAN. (FA)  
PLI TOUFAN (EN)

چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است!

## «کار خودشونه»... دنباله از صفحه ۸

خود به اختلافات درون حاکمیت ایران متوسل می‌شدند. زمانی که بهترین فرزندان ایران را که تعدادشان رسماً به ده‌ها نفر می‌رسید، دشمنان ایران آنها را به قتل می‌رساندند و ترور می‌کردند، این ایران‌ستیزان ضدبشر و فاقد شرافت ملی که هم ملیس به «حقوق بشر» و هم «لغو اعدام» بودند، برای تروریست‌ها دست می‌زدند، لهله می‌کردند و به جای همدلی با قربانیان ترور که توسط تروریست‌ها، منافع ملی ایران را مورد هجوم قرار داده بودند، به ایجاد فضای مسموم شک و تردید و مملو از سوءظن و بدگمانی مشغول بودند و اعلام می‌کردند «کار خودشونه». وقتی تروریست‌های اسرائیلی در تاسیسات هسته‌ای ایران خرابکاری می‌کردند و بمب می‌گذاشتند، این دشمنان مردم ایران باز مدعی بودند «کار خودشونه». آنها وقتی با این پرسش منطقی روبرو می‌شدند گیریم کار خودشان باشد که دانشمندان و اساتید ایران را ترور و یا صنایع ملی ایران را تخریب می‌نمایند، پس چرا شما از دانشمندان ایران که قربانی تروریسم هستند و یا از حفظ منافع ملی ایران دفاع نمی‌کنید و تروریسم را از هر جانب که باشد محکوم نمی‌نمایید؟ مگر مدعی نیستید که خود جمهوری اسلامی آنها را ترور کرده است؟ پس دیگر چه مانعی وجود دارد که دو برابر بیشتر، از این شهدای ملی به حمایت برخیزید و ترور را محکوم کنید؟ اگر از نظر شما «کار خودشان» باشد پس ابراز مسرت و دلخکی و پای کوبی برای ترور دانشمندان ایرانی جنایت محض و همدستی با تروریسم است. شما باید تروریسم را محکوم کرده و از دستاوردهای ایران تجلیل کنید. ولی خودفروخته‌ها، وطن فروشان بی‌شرافتی را که ماموریتشان توجیه تبلیغاتی تروریسم امپریالیسم و صهیونیسم است، با این حقایق و منطق چکار، آنها بعد از چندی با این استدلال جدید آمدند و مدعی شدند تمام دستگاه امنیتی ایران مملو از جاسوسان اسرائیلی است و به این علت باید دستگاه امنیتی را منحل نموده و مانع از صدمات وارده به ایران شد. گیریم که چنین چیزی درست باشد. چرا این ستون پنجم به این نتیجه نمی‌رسد که باید بر ضد اسرائیل و صهیونیسم مبارزه را تشدید کرد و از آنها انتقام گرفت، چرا نباید آنها را در همه عرصه‌ها افشاء نموده سازمان امنیتی به وجود آورد که در آن جانی برای عمال اسرائیلی باقی نماند؟ روشن است که سیاست این ستون پنجم دروغبارکنی، شایعه‌سازی، بی‌ثبات‌سازی و تضعیف ایران به نفع امپریالیسم و صهیونیسم است و نه چیز دیگر. این سیاست را ستون پنجم که فاقد شرافت ملی است در ایران همواره ادامه داده و می‌دهد. ترور سردار قاسم سلیمانی را اگر خود اربابشان دونالد ترامپ شخصاً تأیید نکرده و مسئولیتش را به عنوان قاتل به عهده نگرفته بود، آنها آن را نیز با عبارت «کار خودشونه» به گردن دعوی جناحی حاکمیت می‌انداختند و توجیه می‌کردند که آنوقت روشن نبود چرا تصاویر و مجسمه‌های قاسم سلیمانی را تخریب می‌کنند؟ آنها می‌خواهند تروریسم ترامپ را در ایران زنده نگهداشته و مورد تأیید قرار دهند. آنها مخالف تروریسم جمهوری اسلامی نیستند، موافق تروریسم آمریکا و اسرائیل هستند. در جریان شورش کور آبانماه امسال باز ضدانقلاب از پستوی اطاق‌های فکر خود اسلحه «کار خودشونه» را بیرون کشید و با تبحری که در پخش شایعه، دروغ‌پردازی و جعل اخبار پیدا کرده بود این سیاست را تا حد یک صنعت جنگ روانی ارتقاء و ادامه داد. نخست خاتمک‌هائی بد شکل و قواره با دریدگی و هرزگی برای تحقیر شأن و کرامت زن، لخت و عور شدند و این وقاحت را آزادی زن و گزینش نوع زندگی و مبارزه برای دموکراسی و آینده ایران فردا به فروش گذارند.

تصاویر این هرزگان را که امتیازش به نام رهبران حزبک اسرائیلی کمونیست کارگری ثبت شده است هر جوینده‌ای می‌تواند در فضای مجازی پیدا کند. این برهنگان هرزه که کار مبارزه طبقاتی و انقلابی را به مبارزه زنانه و حتی پائین تنه‌ای می‌کشاند به رهبر مبارزه اپوزیسیون خارج از کشور بدل شدند. این روش بی‌شرمانه به قدری زیان‌آور بود و تأثیرات معکوس در ایران گذارد که ماموران مزدور به یک‌باره رنگ عوض کرده و این خانمک‌های هرزه را که تا دیروز یاران صمیمی و متحد یکدل و یکزبانشان بودند به عمال جمهوری اسلامی منتسب کرده و نوشتند «کار خودشونه» که می‌خواهند مبارزه معترضان را آلوده کنند. جالب این که هیچ کدام از این معترضان در طی این سال‌ها به این روش زشت و توهین‌آمیز اعتراض نداشته و حتی آن را تبلیغ می‌نمودند. علم پورنوگرافی را به پرچم مبارزه علیه استبداد و خرافات رژیم جمهوری اسلامی بدل کرده بودند.

وقتی زندان اوین با تحریک و دسیسه دشمنان ایران به آتش کشیده شد، ضدانقلاب راه افتاد و آن را «کار خودشون» دانست که تلاش دارند زندانیان سیاسی را به قتل برسانند. آتش اوین خاموش شد، ولی آتش دل این بی‌شرف‌های ایران‌ستیزی هنوز شعله‌ور است. تبلیغات دشمنان خنثی شد ولی شما کسی را پیدا نمی‌کنید که پاسخگوی این خرابکاری و ایران‌ستیزی باشد و مسئولیت بپذیرد. این عده قصاص طلبان فاقد شرافتند. چندی بعد بخشی از این ستون پنجم چه در خارج و چه در درون ایران با سلاح استفاده از کلمات رکیک و فحش‌های ناموسی و جاله‌میدانی که شایسته خود آنهاست به میدان آمدند. این فحاشی‌ها به قدری زشت بودند که فقط تکرار آنها موجب می‌شود عرق شرم بر پیشانی هر ایرانی میهن‌دوست، با شرافت و انقلابی بنشیند. تأثیرات این سیاست جدید که توسط مرد و به ویژه زنان با کمال وقاحت و هرزگی بیان می‌شد، به قدری زشت بود که دوباره ماشین «کار خودشونه» به راه افتاد و این گروه‌های فحاش شعبان بی‌مخی را به رژیم جمهوری اسلامی منتسب نمود که گویا این اراذل را برای بی‌اعتبار کردن مبارزه به میان جنبش اعتراضی فرستاده‌اند. پرسش این است که چرا سایر معترضان «انقلابی و اصیل» به این روش مبارزه اعتراض نداشته و صف خود را از آنها جدا نمی‌ساختند و نمی‌سازند؟ چرا هنوز هم به این روش کثیف مبارزه ادامه داده و می‌دهند و به آن فخر می‌فرروشند؟ این شکرگرد ستون پنجم نیز با شکست روبرو شد زیرا ارتش اوباشان و فواحش ۲۸ مردادی نه تنها در دانشگاه شریف سر باز کرد و خودنمایی نمود، بلکه در استکهلم، برلن، و بسیاری شهرهای آمریکا نیز حضور فعال داشت و پرده شرم و حیا را دریده بود. دیگر نمی‌شد مدعی شد «کار خودشونه» زیرا این پرسش مطرح بود چرا جلوی این اوباش را نمی‌گیرید و برعکس به آنها میدان و بلندگو می‌دهید. پرسش این است شما که سرآمد خشونت و تفکر داعشی هستید و با قمه و ساطور در حرکتید، چرا جلوی دهان این دشمنانگویان را نمی‌گیرید؟ فضای مجازی کنترل شده صهیونیستی در حالی که اظهار نظر مخالفان را سانسور می‌کند، میدان را برای تاخت و تاز این روسپی‌های ستون پنجم باز گذارده است. هدف از این کار روشن است. این اقدامات فقط نتیجه هرزگی نیست، بلکه یک سیاست راهبردی اطاق‌های فکری امپریالیستی است تا تقدس همه چیز را از بین ببرند، احترام‌زدانی کنند زیرا در عمق و نهاد تفکر مردم، فحاشی به دین، ائمه‌اطهار، رهبران مذهبی با فرهنگ عمومی جامعه همخوانی ندارد. اپوزیسیون ستون پنجم و جزئی از ارتش تجاوزکارانه ناتو می‌خواهد نشان دهد که می‌شود به مقدسات نیز توهین کرد بدون این که کسی «سنگ» و یا

«سپاه» شود. آنها نمایندگان «شارلی ابدو» در ایران هستند. دامنه این دشمن‌های زشت حتی نسبت به سپاه پاسداران و بسیجی‌ها و نیروهای انتظامی نیز سرایت یافته است تا حرمت هر چیز شکسته شود. این یک جنگ روانی برای مقابله با دستگاه‌هائی که دارای تفکدهای دینی هستند می‌باشد، جمعی که توان مقابله با این هرزگی و شناعت را ندارند. آنها در پی آنند که میان ارتش و سپاه اختلاف ایجاد نمایند و از رفتن جوانان به نظام وظیفه بطور کلی و به سپاه بطور خاص ممانعت کنند. همین روش تا اقدام تروریستی برنامه‌ریزی شده داعش به حرم شاه‌چراغ که بخشی از برنامه ستون پنجم و ارتش ناتو برای تقویت بی‌ثباتی داخلی ایران است ادامه یافته است. در این ترور آگاهانه دکتر سید فریدالدین معصومی از نخبگان کشور، فارغ‌التحصیل از نیوزلند و مدیر عامل هلدینگ برق و انرژی غدیر، مانند دانشمندان هسته‌ای ترور شد. این عده باز با عبارت «کار خودشونه» به میدان آمده‌اند و ما مجدداً می‌طلبیم که شما ستون پنجمی‌ها اجنبی ساکن در تیرانا و تل‌آویو، تروریسم را از جانب هر کس که باشد محکوم کنید. این تروریسم تا به امروز ۱۵ نفر قربانی داشته است. این قربانیان فرزندان ایرانیاند همانطور که مهسا امینی فرزند ایران بود. پس چرا شما از این شهیدان تجلیل به عمل نمی‌آورید، تصاویر آنها را در فضای مجازی به عنوان قربانیان ترور پخش نمی‌کنید و با خانواده شهدا مصاحبه انجام نمی‌دهید، خاله، دایی و یا عمه آنها را برای شهادت دعوت نمی‌کنید؟ زیرا شما خود بخشی از این ارتش داعش و تروریسم جهانی و متحد طبیعی آنها برای جنگ داخلی و انجام انقلاب مخملی زنانه در ایران هستید. حتی زمانی که داعش با افتخار مسئولیت این ترور را به عهده گرفت و شما را در وضعیت مضحکی قرار داد، شما حاضر نشدید طلب براءت نموده و نشان دهید از این جنایت داعش منزعجید. شما داعش را متحد خود می‌دانید و مشحون از کینه ضدایرانی هستید. رهبران شما در پی افسانه‌سرانی دیگری برای مغزشوئی شما برآمدند و شما ستون پنجمی‌ها به آن تمکین کردید. جالب است هیچ کدام از این سازمان‌های اپوزیسیون خارج از کشور و دشمنان ایران در قالب گروهک‌های فرهنگی، هنری، کانون‌های دوستی با ممالک میزبان، حقوق بشری، سازمان امنستی، قومیت‌ها، نویسندگان، هنرمندان، موسیقی‌دانان، روشنفکران، شوراها و رهبران اصلاح‌طلب غرب‌گرا حاضر نشدند تروریسم و داعش را محکوم کنند و با اما و اگر بیان کردند که «کار خودشونه» و با این کار اوج ذرالت و بی‌شرافتی خویش را به نمایش گذاردند که خلق ایران هرگز آن را فراموش نخواهد کرد. رژیم جمهوری سرمایه‌داری اسلامی نه در گذشته قادر بود با این دروغ‌ها و شایعات مبارزه کند و نه امروز این امکان را دارد، زیرا رژیمی که خود بر اساس تبعیض، دروغ و ریاکاری، قتل‌های زنجیره‌ای و اسید پاشی فعال بود و هست و تبعیض، تقيه و دادگاه ویژه روحانیت یکی از ارکان اداره حکومتش محسوب می‌شود، به قدری در نزد مردم بی‌اعتبار شده که ستون پنجم هر اتهامی را به راحتی و بی‌شرافتی مانند آهن‌ریا به پیشانی‌ش می‌چسباند. رژیم جمهوری اسلامی چوب سیاستی را می‌خورد که نتوانسته در عرض این ۴۳ سال از آن دست بردارد و یا حداقل کسانی را که بانیان این سیاست‌اند مهار کرده و مجازات نمایند. ببینید چگونه اصلاح‌طلبان غربی در ایران جولان می‌دهند و حامی بی‌ثباتی و فقدان امنیت ایران هستند و اعلامیه تهدیدآمیز صادر می‌کنند. چگونه به ناآرامی دامن می‌زنند و تجزیه‌طلبی را برای شرکت در حکومت و طلب سهم در کثف حمایت خود می‌گیرند. آری! این دیگر واقعا «کار خودشونه»!

**پیمان تجاوزکار ناتو منحل باید گردد!**



## ریشه‌های عصبان دنباله از صفحه ۸

پرخوری در یک شب می‌ترکد و انسانی از گرسنگی در همان شب و در همان شهر مرده است. آقای راهداری در عین حال می‌افزاید: «اگر آمار واقعی بیکاری را در نظر بگیریم چیزی حدود بیست میلیون بیکار داریم، رشد بیکاری است که فقر می‌آفریند. ۱۲ سال است که تولید در ایران رشد نکرده و اشتغالی هم ایجاد نشده است». زیرا سرمایه‌های کلان یا در سیستم بانکی کشور با سود کلان در گردشند و یا در کشورهای حاشیه خلیج فارس سرمایه‌گذاری شده و یا در بانک‌های کشورهای خلیج فارس، کانادا و اروپا و آمریکا غنوده‌اند.

پس از خصوصی‌سازی‌ها، دولت‌ها هم «آه در بساط ندارند که با ناله سودا کنند». هم اکنون دولت ۵۰٪ کسری بودجه دارد که با چاپ اسکناس آن را جبران می‌کند، که خود یکی از عوامل افزایش نرخ تورم و گرانی بشمار می‌آید و باعث فقیرتر شدن هر چه بیشتر مردم می‌گردد. البته بدون تردید تحریم‌های ضدبشری غرب نیز به اقتصاد کشور و رشد تورم و گرانی تأثیر سوء دارد.

برای نمونه برنج از کیلویی ۳۰ هزار تومان به ۷۰ هزار تومان و مرغ از ۱۰ هزار تومان به ۶۷ هزار تومان رسیده است. روغن، میوه و گوشت نیز ۳ تا ۴ برابر گران‌تر شده است.

سازمان‌های به اصطلاح «بهنیستی» «تامین اجتماعی»، «کمیته امداد»، سهام عدالت (!!!)، سبد کالا و... جملگی محمل‌هایی به شمار می‌روند که عده‌ای «خودی» در آنها مشغول پر کردن جیب مبارک هستند و به قول خودشان «می‌بینیم که موفق نبوده‌ایم و مرتباً فقر بیشتر شده است.» (دکتر راهداری) تا جائی که امروز ۷۰ درصد مردم زیر خط فقر بسر می‌برند. حتی آنها که شاغلند ماه‌ها حقوق دریافت نمی‌کنند. ماه‌ها و سال‌هاست که کارگران، معلمان، بازنشستگان در اعصاب اعتراض برای افزایش حقوق و پرداخت حقوق معوقه خود هستند.

فقر به طور مستقیم به بی‌رحمی و شقاوت سلطه سرمایه ربط دارد. سرمایه‌ای که در کنف حمایت دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی است. طبقه‌ای که سرمایه‌های کلانش سودهای افسانه‌ای نصیبش می‌کند و مالیاتی هم برای آن نمی‌پردازد. طبقه‌ای که با اجرای سیاست نئولیبرالی روز به روز طبقه متوسط را بیشتر تر به حاشیه می‌راند و خیل فرودستان را به زیر خط فقر و حتی بخشی را به فقر مطلق می‌کشد. امروز طبق آمار خودشان ۱۸/۴٪ جامعه در فقر مطلق بسر می‌برد. یعنی از هر ۵ نفر یک نفر گرسنه است. فقر مطلق یعنی کسی که نان شب هم ندارد. شاید در طول ماه به اندازه ۱۰ روز خوراک داشته باشد، یعنی فرد در خطر مرگ قرار دارد. سیستم نئولیبرالی که هدف را کسب حداکثر سود

برای سرمایه‌داران در نظر گرفته است، لاجرم درهٔ بین فقر و ثروت را پیوسته عمیق‌تر و فاصلهٔ طبقاتی را مدام افزایش می‌دهد. ناهنجاری‌هایی نظیر اعتیاد، فحشا، دزدی و کیف‌زنی، خشونت، ذباله‌گردی، کارتن‌خوابی و به یک کلام محرومیت از نعم مادی جامعه جملگی محصول همین سیستم است. این واقعیت تلخ نه تنها در مین ما که در تمام کشورهای که از نسخهٔ «فردمن» (Milton Friedman) و جوانان شیکاگو پیروی کردند با بی‌رحمی هر چه تمام‌تر چهرهٔ کریه خود را به نمایش گذاشته است. از اروپا و آمریکا گرفته تا آسیا و آمریکای لاتین.

جای تعجب نیست که مردم روز به روز بیشتر تر زیر پای رژیم را خالی می‌کنند. امروز نه فقط فارغ‌التحصیلان دانشگاهی اعم از پزشک و مهندس فوج فوج ترک وطن می‌کنند، بلکه ورزشکاران، تکنیسین‌ها و کارگران متخصص نیز به خیل آنان پیوسته‌اند.

بر این همه نابسامانی باید سرکوب، زندان و شکنجه را هم افزود. رژیم متحجر و سرکوب‌گر اسلامی، مخالفین، فعالین سیاسی، اعم از اعضای گروه‌ها و احزاب «غیر خودی»، ورزشکاران، معلمان، دانشجویان، خبرنگاران، نویسندگان، هنرمندان و... را به بند می‌کشد. علاوه بر همهٔ این مصائب مسئله حجاب اجباری و گشت ارشاد نیز با فشار و سرکوب، دستگیری و حتی کشتار زنان دلاور میهن ما، خشم اکثریت مطلق آنان را برانگیخته و آنان را با عزمی راسخ به مقابله و مبارزه کشانده است.

از سوی دیگر «مرکز پژوهش‌های مجلس» اعتراف می‌کند که ۶۰ درصد جامعه ایران از پوشش بیمه‌های اجتماعی محروم است. با توجه به قیمت سرسام‌آور دارو و درمان و رشد سرسام‌آور روزانهٔ آن، متوجه می‌شویم که اکثریت مردم زحمتکش میهن ما چگونه روزانه با مرگ دست و پنجه نرم می‌کنند. طی ۱۰ سال گذشته نه تنها نابرابری رشد کرده، بلکه به گفته خودشان تورم ۱۵ درصدی به ۴۰ درصد رسیده است. در عین حال به دلیل رشد اقتصادی صفر و تورم بالا، فقر در مملکت ما حرف اول را می‌زند. با توجه به کسر بودجه، دزدی‌ها، فساد، رانت‌خواری، عدم پرداخت مالیات از جانب میلیاردرها و بالاخره تحریم‌ها ناگزیر تنگناهای اقتصادی، ورشکستگی، تورم، گرانی، بیکاری و فقر بیش از پیش افزایش یافته است.

دولت‌ها که خود لابی‌گر سرمایه‌داران نئولیبرالند به جز حرف‌های دهان پرکن، عملاً قادر به بهبود وضع اقتصاد، کاستن تورم و کاهش قیمت‌ها نیستند، بلکه پیوسته بر بیکاری و فقر و بی‌عدالتی دامن می‌زنند. امروز در حالی که ۱۰ میلیون به جمعیت کشور اضافه شده، ۴۰ درصد از تولید سرانه کم‌تر شده است. در سال ۲۰۱۸ میانگین تورم در جهان ۲/۴٪

بود، ولی در ایران ۲۰٪ بود (فقط در ونزوئلا، زیمبابوه و آرژانتین از ایران بیش‌تر بود). به یک کلام بازار کار فاجعه‌بار و از ثبات اقتصادی خبری نیست، اما ظرفیت نوآوری و سلامت و تخصص نیروی انسانی هم بالاست. امروز تحصیل‌کرده‌ها - به ویژه زنان تحصیل کرده - سیمای جامعه ما را تشکیل می‌دهند. به دیگر سخن نیروی سلامت و تحصیل کرده فراوان ولی برایش بازار کار وجود ندارد. در عین حال طی همین مدت درآمد دولت نسبت به هزینه‌اش کاهش یافته و به علت خصوصی‌سازی‌ها در پروسه نئولیبرالیسم ۳۰ سال گذشته کفگیرش به ته دیگ خورده و امکان هیچ‌گونه سرمایه‌گذاری و کمک‌های اجتماعی ندارد. آقای رئیسی دروغ می‌گوید که «ما دنبال ایجاد اشتغال هستیم، دشمن می‌خواهد مردم را بیکار و عصبانی کند!!»

آقای راهداری استاد دانشگاه می‌گوید: میانگین علم و دانش جامعه از میانگین مجموعهٔ هئیت حاکمه بیش‌تر است. به دیگر سخن سران رژیم ننگین جمهوری اسلامی توانایی ادارهٔ کشور را ندارند. به همین دلیل است که آقای راهداری می‌گوید که: «اگر امروز تحریم‌ها برداشته شود و مشکلات ما حل شود ۲۰ تا ۳۰ سال طول می‌کشد تا فقر صفر شود». عامل دیگری که شرایط موجود را حادتر می‌کند تخریب محیط زیست، بحران خشک شدن منابع آبی است که این رژیم به هیچ‌وجه قادر به حل آن نیست و نخواهد بود.

اینها هستند ریشه‌های اصلی اعتراضات و خیزش مردم در دیماه ۹۶، آبان ۹۸ و بالاخره آبان ۱۴۰۱. امروز جوانان میهن ما حق دارند که عمر خود را هدر رفته به بینند، خشمگین باشند، از آینده و بی‌دورنمایی بیمناک باشند و به یک کلام استیصال گریبانشان را بگیرد و علیه وضع موجود به شورش و عصیان روی آورند. آنها با بودن این حاکمیت آینده‌ای برای خود متصور نیستند و حق دارند که غضبناک باشند و سر به شورش و عصیان گذارند.

فاجعه دردناک قتل دختر جوان، مهسا امینی به دست ماموران وحشی و سفاک گشت مذموم و مرتجع ارشاد، که بر آمل و آرزوهای پاک این دختر جوان نقطهٔ اختتام نهاد، جرقه‌ای بود که شعله خشم انباشته شدهٔ ۴۳ ساله مردم را برای چندمین بار شعله ور ساخت.

«سرنوشت من اگر بازیچه شد دست شما نابخردان سر به عصیان می‌نهم تا پس بگیرم زندگی، تا کی سکوت

صید دستان شماها شد، تمام هستی‌ام از کودکی مرگ من حاصل شود از این همه آزدگی، تا کی سکوت» (شعر از مهناز هدایتی) \*



مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۹۶ آبان ۱۴۰۱

را در تارنمای توفان مطالعه نمائید!

توفان الکترونیک در اول هر ماه میلادی منتشر می‌شود!

امپریالیسم آمریکا باید خاک عراق و منطقه خاورمیانه را ترک کند!

Workers of all Countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party  
of Labour of Iran

No. 273 December 2022

## «کار خودشونه»، پوششی برای حمایت از تروریسم

حتماً مردم عزیز ایران با این عبارت ضدانقلاب و ستون پنجم صهیونیسم در ایران آشنا هستند. عبارت «کار خودشونه» را ضدانقلاب فرقه رجوی از سال‌ها قبل برای جنگ رسانه‌ای و ترکیبی از خودش اختراع کرد و در فضای مجازی توزیع نمود. هدف آنها از این کار، دادن پوشش تبلیغاتی بر تروریسم دشمنان مردم ایران و دامن زدن به جنگ رسانه‌ای است که جمهوری سرمایه‌داری اسلامی در آن ناکارآمد و بسیار ضعیف بود و هنوز هم هست. فرقه رجوی و مرکز تل‌آویو با این یورش‌های تبلیغاتی مرتب کاربران حاکمیت ایران را به اقداماتی واکنشی و نه مبتکرانه وادار می‌کردند که تا به امروز نیز این روند ادامه دارد.

این سلاح تبلیغاتی چاقوئی نیست که این دشمنان اخیراً به دست گرفته باشند. خوب است به تاریخ چند سال گذشته ایران بازگردیم. وقتی تروریست‌های اسرائیلی برای نخستین بار به ترور دانشمندان هسته‌ای ایران، در دوران تسلط اصلاح‌طلبان آمریکایی و حامیان شورش کور کتونی دست زدند، دشمنان ایران فعال شدند و در فضای عمومی و در افواه شایع ساختند که رژیم خودش آنها را ترور کرده است و بی‌جهت آن را به اسرائیل مرتبط می‌کند. آنها برای قوت استدلال... ادامه در صفحه ۶

## ریشه‌های عصیان جوانان با انگیزه قتل یک زن

عصیان یک بلای آسمانی نیست در زمین اتفاق می‌افتد و دلایل و ریشه‌های خود را دارد. چنین عصیان و شورشی گرچه بی‌دورنما و کور است و شوربختانه به همین جهت می‌تواند به آلت دست دشمنان بدل شود، ولی رخدادش اتفاقی نیست و از آسمان نیفتاده است. در همه جوامع متمدن دانشمندان، کارشناسان و جامعه‌شناسی فوراً دست به کار شده و با کالبدشکافی عصیان تلاش می‌کنند علل بروز آن را برای رفع بحران‌های بعدی موشکافی کنند و حتی به دولت برای رفع آن در آینده رهنمود دهند. بدترین کار این است که این شورش را اساساً کار بیگانگان جا زنی و خیال خودمان را برای برهه‌ای از زمان راحت کنیم و به «عبادت» ادامه دهیم به مصداق این نیز بگذرد، حل آن را حواله خدا گردانیم. غافل از این که از نظر ما بر زخم است که مگس می‌نشیند و دشمنان ایران مگسانند گرد شیرینی که نظام حاکم برایشان فراهم کرده است. خود را به جهالت زدن و جامعه را از نفرت انباشتن و به «خودی» و «غیرخودی» بدل کردن، حتی راه حل کوتاه‌مدت هم نیست. محصول امنیتی کردن مطالبات برحق و یا حداقل قابل مطالعه جامعه است که آن وقت کل امنیت جامعه را به زیر پرسش می‌کشد. با گردن کلفتی و فریادهای امنیتی، با برشمردن خطرات واقعی و نه واهی و ارجاع به وجدان میهن‌دوستی و دسیسه دشمنان، جامعه پیشرفته و متمدن ایران را نمی‌شود رهبری کرد. بذر سوری‌های کردن جامعه ایران که هدف دشمنان ایران است را اتفاقاً دست‌اندرکاران حکومت می‌پاشند و می‌کارند که برای روحیه عصیانی تمایز میان ایران‌دوستی و دشمن‌پرستی زایل می‌شود. برای این که به پاره‌های ریشه‌ها و علل خشم، اعتراضات و عصیان جوانان اعم از مرد و زن در شرایط کنونی پی‌ببریم باید ببینیم که جامعه ایران در حال حاضر در چه وضعی به سر می‌برد.

در ۴۳ سال گذشته جمعیت ایران از ۳۶ میلیون به ۸۴ میلیون نفر رسیده است که ۴۲ میلیون نفر آن را زنان تشکیل می‌دهند. این ۴۲ میلیون، از کل جمعیتی که قبل از انقلاب در ایران زندگی می‌کردند بیش‌تر است. از این ۴۲ میلیون نفر فقط ۱۴٪ زاده قبل از انقلاب و ۸۶ درصد بقیه بعد از انقلاب قدم به عرصه وجود گذاشته‌اند. اما به عللی که پرداختن به آن در این مختصر نمی‌گنجد، امروز حدود ۲۰ میلیون نفر بیکار داریم. این در حالی است که نرخ بیکاری بین زنان بسیار بالاتر از مردان است. طبق آمار سازمان برنامه نرخ مشارکت اقتصادی زنان در سال ۱۴۰۰ حدود ۱۳/۳ در صد و مردان ۶۸/۷ در صد بوده است. یعنی مردان ۵ برابر زنان شاغلند. این وضع در سال جاری بدتر شده که بهتر نشده. از سوی دیگر نرخ بیکاری مردان ۷/۹٪ و نرخ بیکاری زنان ۱۶٪ یعنی دو برابر مردان است. فاجعه‌بارتر این که نرخ بیکاری جوانان مرد ۱۸ تا ۳۵ ساله ۱۳/۸ و زنان ۲۸/۳ در صد می‌باشد. به دیگر سخن تعداد جوانان بیکار دو برابر نرخ بیکاری عمومی جامعه است.

از سوی دیگر تعداد کل دانشجویان در سال ۱۳۹۹ - ۱۳۴۰ قریب به دو میلیون و ۱۰۴ هزار نفر بوده که از این رقم تعداد پسران یک میلیون و ۴۱۰۰۰ و دختران یک میلیون ۶۳۰۰۰ نفر بوده است. یعنی علی‌رغم این که تعداد دختران دانشجوی ۲۰ هزار نفر بیش‌تر از پسران است، تعداد بیکاران زن دو برابر مردان و نرخ مشارکتشان یک پنجم مردان است. این تبعیض ارتجاعی و فاحش یکی از علل تعیین‌کننده رزم زنان علیه حاکمیت موجود است. که البته اگر حجاب اجباری، اجحافات و ستم چند لایه، زورگوئی و سرکوب و بالاخره نقش گشت ارشاد ارتجاعی و منفور و... را در نظر بگیریم به این نتیجه منطقی می‌رسیم که اگر مبارزات زنان شجاع و شیردل که طی ۴ دهه گذشته به وضوح در جامعه جریان داشت و هرگز قطع نشد، اگر امروز به اوج خود نرسد غیرمنطقی جلوه خواهد کرد.

در ۱۰ سال گذشته میزان ثروتمندترین دهک آن از ۱۱ برابر به ۱۴ برابر افزایش یافته است. نسبت به فقیرترین دهک آن از ۱۱ برابر به ۱۴ برابر افزایش یافته است. اگر رشد اقتصادی، که طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس در سال ۱۳۹۰ تقریباً صفر بوده است، بتواند به فرض محال تا سال ۱۴۰۵، شش سال متوالی رشد ۸ درصدی داشته باشد، تازه می‌رسد به سطح سال ۱۳۹۰.

امروز اسماً نرخ تورم ۴۰ تا ۵۰٪ است، ولی رسماً طبق اعترافات خودشان «اگر به سراغ سید خانوار برویم می‌بینیم که ۷۰ درصد تورم داریم که به خانوار وارد می‌شود» (مراد راهداری، استاد اقتصاد دانشگاه). در این نظام فُشل به گفته ایشان: «شکم سگی از... ادامه در صفحه ۷

## سخنی با خوانندگان نشریه توفان

نشریه‌ای که در دست دارید، زبان مارکسیست - لنینیست‌های ایران است. «توفان»، نشریه «حزب کار ایران»، حزب طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه راست‌تر شدن به یاری همه کمونیست‌های صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها به اتکاء بر نیروی خود پابرجاییم و به این مساعدت‌ها، هر چند هم جزئی باشند، نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید.

P.O. Box 1138

D64526 Mörfelden-Walldorf

E-Mail: toufan@toufan.org

Internet: www.toufan.org

Internet: www.toufan.de

Postbank Hamburg

BIC: PBNKDEFFXXX

Bank Account No.: 2573 3026 00

IBAN: DE70 2011 0022 2573 3026 00

دست امپریالیسم، صهیونیسم و متحدان‌شان از ایران کوتاه باد!